



■ مدرسه حله

قسمت چهارم

مدارس فقه

□ محمد مهدی آصفی

مدرسه فقهت حله پس از اشغال بغداد به هلاکوخان مغول پدید آمد، در حالیکه پیش از این، به مرکز گردهمایی فقیهان و محققان و کانون جلسات بیدرس و پایگاه فعالیت‌های فکری به شمار می‌رفت. هنگام تصرف بغداد توسط مغول، اهالی حله گریز را به نمایندگی نزد خان مغول فرستادند تا برای شهر درخواست امان کنند. هلاکو وقتی صدق گفتارش باور کرد، خواهش آنان را پذیرفت و به آنان امان داد. از این رو، حله از حمله ویرانگر مغولان که دیگر شهرها آسیب فراوان رسانده بودند، محفوظ ماند. در عوض آغوش خویش را به روی طلاب و اساتید و فقهاء که از بغداد گریخته بودند گشود. بدین ترتیب تعداد زیادی دانشجو و دانشمند در آنجا گرد آمدند و همراهِ کاروان، یک جنبش علمی از بغداد وارد حله شد. و این در آن روز به خاطر فعالیت‌های گوناگون فکری از قبیل مباحث وجدل، حلقه‌های درس، کتابخانه‌ها، مدارس و غیره مانند بغداد به صورت یکی از پایگاه‌های بزرگ فرهنگی و اندیشه جهان اسلام درآمد. و مدرسه فقهت به این در حله استقرار یافت و فقیهان سترگی در این دوره و در شهر ظهور کردند که نقش شگرفی در تحول و دگرگونی و اصول امامیه داشتند و در راه و روش اجتهاد و شیوه تدریس فقه طرحی نو پدید آوردند، همچون محقق حلی، علامه

سوک او بسیار گریستند و ناله‌ها سردادند، جمعیت انوهی در تشییع جنازه‌اش گرد آمدند و در حله، پیکر او را به خاک سپردند، مرقدش در آنجا زیارتگاه مؤمنان و خاکش سرمه چشم شیفتگان است. و اخیراً آرامگاه او به دست نیکوکاران اهل حله، تعمیر و بازسازی شده است.

۲- علامه حلی

جمال‌الدین حسن بن یوسف (بن علی بن مطهر) به سال (۶۴۸ ه.ق) در حله دیده به جهان گشود و هم در آنجا پرورش یافت و در سال (۷۲۶، ه.ق) به سرای باقی شتافت.

علامه حلی فقه را نزد دایی خود محقق حلی آموخت و فلسفه و ریاضیات را نزد محقق طوسی فرا گرفت. او آن‌گونه پرورش یافت که دو استادش می‌خواستند، و بر همدرسان و هم‌تایان خود برتری و تفوق یافت و هنوز پا به سن بلوغ نگذاشته بود که نبوغ او زبانزد شد و زعامت در تدریس و فتوی، پس از فوت استادش، محقق حلی، بدو رسید.

علامه حلی به برکت نبوغ خود و امتیاز برخوردار از استاد بزرگی چون محقق حلی و به سبب تلاشهای خاص خویش توانست سهم مهم و مؤثری در دگرگونی و تکامل فقه و اصول داشته باشد و درس و بحث فقه را گسترش دهد.

دائرةالمعارف گرانقدر فقه علامه حلی، موسوم به «تذکره» در تاریخ رشد فقه شیعه نخستین دائرةالمعارف فقهی است و در نوع خود هم از لحاظ جامعیت و فراگیری و هم از لحاظ مقایسه با سایر مذاهب فقهی کم‌نظیر است. این کتاب اخیراً به بهترین اسلوب با تصحیح و تعلیق به چاپ رسیده است. مدرسه حله در روزگار حیات علامه و با تلاشهای خستگی‌ناپذیر او به اوج عظمت خود رسید. همو توانست برای نخستین بار مسائل اختلافی بین فقه‌های شیعه را به صورت مستقل در کتاب پراچ خویش «المختلف» مطرح سازد.

۳- فخرالمحققین

ابوطالب محمد بن حسن (بن یوسف بن مطهر)، از چهره‌های معروف و بزرگ شیعه است، نزد پدر خود، علامه حلی درس خواند و زیر نظر و سرپرستی او نشو و نما کرد و دانشهای مختلف عقلی و نقلی را نزد او آموخت و در همه آنها سرآمد شد.

فخرالمحققین پاره‌ای از تألیفات پدر خود را مانند «الفین» و غیر آن را تکمیل کرد و بر پاره‌ای کتب دیگر مانند «قواعد»، شرح نوشت. شیخ حرعاملی (ه) در باره او می‌گوید: «دانشمندی پژوهشگر و فقیهی عالیقدر و مورد اعتماد است.»

فخرالمحققین و ابن نما ابن ابی‌الفوارس، شهید سیدین طاووس، ابن ورام و اندیشمندان و شخصیت‌های دیگر. اکنون برای آن که اهمیت این دوره و نقش آن را در دگرگونی و تکامل شیوه‌های فقهی بشناسیم ن سرگذشت کوتاهی از پاره‌ای شخصیت‌های این می‌پردازیم.

هق حلی

جمالدین ابوالقاسم جعفر بن سمید حلی، پیشوای فقهات حله و از فقه‌های بزرگ شیعه می‌باشد.

ابن داود شاگرد او درباره استادش می‌گوید: «امام، (حلی) یگانه عصر خود، زبان آورترین شخصیت و از جهت حجت و برهان استوارترین فرد و جواب‌اترین مردم زمان خود بود.» (۱) مجلس او به سرشار از دانش پژوهان و فضلالی بود که برای تده علمی و خوشه‌چینی از خرمن دانش وی به ش می‌شتافتند. (۲)

روزی محقق طوسی از بغداد به مجلس درس او حضور محقق حلی خواست به احترام ورود ایشان درس را کند ولی محقق طوسی از او درخواست کرد درس را ان ادامه دهد.

و بحث محقق بر سر قبله بود و استحباب تیسار در برای اهل عراق. طوسی در اینجا بر محقق اشکال و اعتراض کرد و گفت استحباب در این مورد چه دارد؟ زیرا اگر تیسار از سمت قبله باشد، حرام است و سوی آن باشد، واجب است.

محقق پاسخ داد: از قبله به سوی قبله است. محقق ساکت شد و دیگر چیزی نگفت. وقتی به بغداد رفت، محقق حلی، رساله‌ای دقیق و تحقیقی در این باب برای او فرستاد که این رساله مورد پسند و تحسین طوسی قرار گرفت. و شیخ احمد بن فهد تمام این را در «المذهب» خود آورده است.

محقق حلی توانست بسیاری از مباحث و شیوه‌های اصول را تجدید بنا نموده، پیشرو و راهگشای این ه باشد.

در فضل و بزرگواری او همین بس که شاگردی بن علامه حلی را تربیت نمود. همچنین کتابهای بسیار سندی از خود به یادگار نهاد که پیوسته مورد استفاده بوده است و آنها را با عزت و احترام دست به دست دادند مانند: «الشرایع الاسلام»، «النافع»، «المعتبر رح المختصر» و کتاب «نکت‌النهاییه» و «المعارض» در فقه و غیر آن.

محقق به سال (۶۷۶ هـ-ق) وفات یافت. و سبب او سقوط از پله‌ای در خانه خویش بوده است که به افتادن، جان به جان آفرین می‌سپارد و مردم در

در تربیت و ساختن شاگردانی شگرف در فقه، همچون شهید اول (ع) همت گماشت.

ع- شهید اول

ابوعبدالله محمد بن جمال الدین مکی (بن شمس الدین محمد دمشقی جزینی) به سال (۷۳۴ هـ.ق) در جزین از شهرهای جبل عامل ولادت یافت. او برای کسب دانش از زادگاه خویش راهی حله شد و

در آنجا نزد فخرالمحققین به دانش‌اندوزی پرداخت و ملازم وی گردید همچنین فقه و فلسفه را نزد دیگر شاگردان علامه حلی فراگرفت. او در آن روزگار، بسیاری از مراکز علمی جهان اسلام مانند مکه، مدینه، بغداد، قاهره، دمشق، بیت المقدس و مقام خلیل ابراهیم را دیدن کرد، و در گردهم آئی مشایخ اهل سنت شرکت جست و این مسافرت‌ها نوعی سبب باروری و زاینده‌گی فکری، بین شیوه‌های بحث فقه و اصول شیعه و سنت گردید.

او بسیاری از کتابهای فقه و حدیث اهل سنت را مطالعه کرد و از آنان روایت نمود، بطوری که در اجازه خود به ابن خازن گوید: «من تقریباً از چهل تن از علمای بزرگ اهل سنت که در شهرهای مکه، مدینه، بغداد، مصر، دمشق، بیت المقدس و مقام ابراهیم خلیل با آنها ملاقات نمودم روایت می‌کنم.»

و این مطلب نشانگر آن است که شهید اول، در فقه شیعه و اهل سنت و روش تحقیق در این دو فقه پختگی و رشد یافت، و این احاطه علمی بر مذاهب فقهی و روشهای مختلف بحث و اجتهاد او را در طرح مسائل علمی کمک فراوان نمود.

شهید کتابهای زیادی از خود به یادگار گذاشت که از جهت شیوایی، دقت نظر عمق اندیشه، و وسعت دید از امتیاز خاصی برخوردار است و عبارتند از: «الذکری»، «الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه»، «غایه المراد فی شرح نکت الارشاد»، «البیان»، «الباقیات الصالحات»، «اللمعه الدمشقیه»، «الالفیه»، «النفلیه»، «الاریعون حدیثاً»، «المزار»، «خلاصه الاعتبار فی السفقه والاعتمار»، «القواعد» و جز آنها است.

شهید، در سال (۷۸۶ هـ.ق) در دمشق به شهادت رسید، بدین گونه: که نخست با شمشیر او را به شهادت رساندند، بعد او را بر دار زده سپس جسدش را سنگ باران کردند، آنگاه به فتوای قاضی برهان الدین مالکی و عباد بن جماعه شافعی پیکر او را بسوزاندند و این فجایع را زمانی مرتکب شدند که یک سال تمام از حبس او در قلعه شام که همراه با رنج و محنت جانگناه بود می‌گذشت.

شرح این هجران و این خون جگر این زمان بگذار تا وقت دیگر

■ سیمای مدرسه در دوره پنجم

از آنچه گذشت، می‌توان سیمای اولیه این مدرسه را این گونه ترسیم کرد: مدرسه حله در ادامه مدرسه بغداد وجود آمد و با وجود تلاش و کوشش زیادی که در تحول شیوه‌های فقهی مستعمل شد ولی دیگر نتواند شیوه‌های استنباط تغییر و دگرگونی به وجود آورد آنچه شیخ طوسی پیش از این انجام داده بود.

و هر کس بازمانده‌های فقهی این دوره را بر مطالعه نماید، آشکارا به زحمات توانفرسای شیخ در زمینه فقه و فقهات پی خواهد برد ولی این به آن نیست که دست آوردهای این مدرسه را که پس از بغداد در تحول و تکامل فقه موثر بوده است نادیده مهمترین ویژگیهای این مدرسه که آن را از مدرسه جدا می‌سازد و می‌توان به صورت خلاصه زیر بیان

۱- تنظیم ابواب فقه: شیخ طوسی همان گونه طلیعه کتاب پر ارج او «المبسوط» دیدیم، موفق شد آنکه فروغ فقهی افزایش یافت و اضافاتی جدید نیز وجود آمد آنها را به انضمام مسائل مشابه گردآوری و دسته‌بندی نموده دو دسته را در بابی مجزا بجزین سازد.

ولی به لحاظ این امتیاز ما کمی تشویش و ناهم در کتابهای شیخ طوسی در تدوین ابواب فقه می‌بینیم اینک شیخ طوسی تمام همت و تلاش خویش را بر سر و تبویب فقه و جمع‌آوری و دسته‌بندی فروغ نهاده البته این ناهماهنگی، تنها در کتب شیخ نمی‌شود، بلکه در بیشتر کتابهای متقدمین هم می‌خورد.

و ما برای نخستین بار در این مدرسه به «شراعی»، اثر محقق حلی (ره) برخورد می‌کنیم که فقه را به سبکی جالب و پسندیده تنظیم نموده و فقه شیعه این شیوه را تا امروز دنبال کرده‌اند.

محقق حلی کتاب «شراعی الاسلام» را به چهار تقسیم نمود: است: بخش اول: عبارات، بخش دوم، بخش سوم، ایقاعات و بخش چهارم، احکام.

و اساس این تقسیمات چهار گانه مطلب زیر است شرعی یا با قصد قربت انجام می‌شود یا بدون آن صورت اول عبادات است، صورت دوم یا به لفظ ای و قبول طرفین نیاز دارد یا یک طرف، و یا این که به نیازی نیست، در شکل اول عقود و در شکل دوم ای و در شکل سوم احکام گفته می‌شود.

از این رو، ابواب فقه در این چهار بخش گنجانده همان گونه که یاد شد این تقسیم‌بندی بسیار جالب ابواب مختلف فقه را در خود جای داده است. و البته این

شیعه را در کتاب پراچ «المختلف» گردآوری کرد و این کتاب برای مطالعه و مراجعه فقیهان و پژوهشگران، همیشه یکی از منابع غنی و پر بار فقهی به شمار می‌رود. در هر حال، مدرسه حله به دنبال مدرسه بغداد پدید آمد و تکامل بخش برنامه‌ها و راه و روش آنها بود.

و با آنکه مدرسه بغداد به پیروزی بزرگی به دست شیخ طوسی نائل شد و واجد فتح و مرحل‌های تازه از استنباط بود و نیز تمامی امتیازات اولیه یک کار فقهی بزرگ را در برداشت، ناگزیر باید این مرحله جدید، رشد و تکامل یابد و این دو، به همت فقهای مدرسه حله تحقق یافت و آن بزرگواران موفق شدند راه را برای سالکان و آیندگان هموار سازند.

اگر شیخ طوسی در مدرسه بغداد به اوج تفکر فقهی نائل آمد، علامه حلی نیز در مدرسه حله بر سستیغ اندیشه فقاقت قرار گرفت.

و اگر تلاش و کوشش عالمان این عصر نبود، هیچگاه مدرسه حله پیشرفت و ترقی نمی‌کرد، بلکه در همان سطحی که شیخ رسانده بود باقی می‌ماند و این مراحل طولانی که بعدها توسط دانشمندان بزرگی چون محقق و علامه و شهید طی شد، سپری نمی‌گشت.

از دستاوردهای همین مدرسه است که به دست حلی جامعه عمل پوشید.

۲- در این دوره نگارش فقه به صورت «دائرة ف» جلوه گر شد. و علامه حلی کتاب عظیم وارزنده «نزه الفقهاء» را در فقه تطبیقی تألیف کرد و این کار به گونه‌ای است که پس از او از حیث گستردگی، همانندش دیگر تألیف نگردید و کسی که کتاب را مطالعه نماید به وضوح حجم کار فقهی علامه را لمس می‌کند و بی می‌برد که او برای فقه اسلامی مذاهب مختلف آن، چه زحمات و چه رنج‌هایی کشیده

علامه در همین کتاب کوشیده است آراء گوناگون ب اسلامی را گردآوری نماید و همه آنها را با عینیت بدن و بدون شتاب مورد نقد و بررسی قرار دهد بطوری که گونه ارزیابی در بررسی‌های مشابه کمتر دیده شود.

۳- از آنجا که در این عصر به خاطر دور شدن از عصر ث، بین فقهای امامیه اختلاف‌های زیادی پیدا می‌شود اختلافها که مربوط به صحت روایات از حیث سند است فقیه را بر آن می‌داشت تا بروجوه مختلف آراء ثل احاطه و تسلط پیدا کند به گونه‌ای که بتواند در ل مورد نظر، رأی و حکم بدهد.

این احتیاج و نیاز، علمای این عصر را برانگیخت تا ل مورد اختلاف عالمان شیعه را گردآوری نموده و جوه ف نظر آنان را عرضه نمایند با این کار، هم فقیه و اختلاف آراء و مسائل آگاهی می‌یافت و هم بروجوه اتفاق علمای امامیه واقف می‌شد.

در این زمینه، علامه حلی مسائل مورد اختلاف علمای

پاورقی

۱- الکنی و الالقاب ج ۳: ۱۳۴.

۲- مجالس المؤمنین ج ۱: ۵۷۰، ترجمه فارسی.

